

سایه شوم اشرف بر سر محمدرضا شاه

۲۱ دی ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۲۴

والاحضرت اشرف در یک معامله زمین شرکت کرده‌اند که ناباب و ناپاک از آب در آمده باعث کدورت خاطر شاه شده. فرمودند به خواهرم بگو شما چه لزومی دارد از یک طرف در کارهای کثیف شرکت کنید و از طرف دیگر بنیاد اشرف پهلوی درست کنید؟ آخر این چه حرکاتی است که می‌کنید؟ بر فرض بنیاد اشرف درست کردید، مردم نخواهند پرسید که شما فلان مبلغ را از کجا آورده‌اید؟

اشرف‌الملوک پهلوی فرزند رضاشاه و تاج‌الملوک آیرملو و خواهر دوقلوی محمدرضا پهلوی، روز پنجشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۴ در شهر مونت‌کارلو در جنوب فرانسه مرد. درباره فسادهای مالی و نقش او در کودتای ۲۸ مرداد، نوشته‌های زیادی موجود است اما گفته‌های خود شاه درباره اشرف، از اخلاق خواهرش به خوبی حکایت می‌کند. در ادامه، مواردی را که شاه از اشرف یاد کرده است، از کتاب یادداشت‌های امیر اسدالله علم وزیر دربار شاه می‌خوانید:

جلد دوم - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۹

شاهنشاه تلفنی فرمودند: این چه مزخرفاتی است که خواهرم در باره حقوق زن و تغییر قوانین اسلام در باره ارث و غیره گفته است؟ چرا اینها نفهمیده می‌خواهند کشور را به هم بریزند؟

۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۱

شرفیاب شدم. اولاً شاهنشاه از محاجه دیشب من با والاحضرت اشرف خیلی راضی بودند. با صدای بلند خندیدند و فرمودند حقش را کف دستش گذاشتی. اینها خجالت نمی‌کشند؟ این همه به من صدمه زده‌اند و باز می‌گویند آبروی کشور را ما حفظ می‌کنیم.

جلد سوم - ۱۰ شهریور ۱۳۵۲

به من فرمودند: به خواهرم بگو من از حرکات عوام‌فریبانه خوشم نمی‌آید. شما ثروت خودتان را وقف بر امور خیریه می‌کنید در حدود چند ۱۰ میلیون تومان، آن وقت برای تعمیر کاخ خودتان از من می‌خواهید که به دولت بگویم چندین ۱۰ میلیون تومان به

شما بدهد. که را می خواهید گول بزنید؟ خدا را، یا من را، یا مردم را؟ خدا و من را که نمی توانید گول بزنید. از مردم هم چیزی پنهان نمی ماند. این حرکات چیست؟ به علاوه کاخ شما مال من است. چطور جزو ثروت خودتان آن را وقف می کنید؟ من حرفی ندارم اما از این حرکات عوام فریبانه نفرت دارم.

۲۰ شهریور ۱۳۵۲

در امر خانوادگی صحبت کردیم. فرمودند به اشرف بگو شما باید تصمیم بگیرید یا واقعا کار خیر بکنید و از تظاهر و دماغوژی (عوام فریبی) بپرهیزید که در این صورت من حاضرم با شما راه بروم و یا آنکه می خواهید از این کارها بکنید، با من کاری نداشته باشید. آخر چطور می خواهید استفاده های بی ربط بکنید و از دست دیگر اموال خود را وقف می کنید؟ من سر در نمی آورم. مگر خواهرم شمس که زندگی عالی برای خود ترتیب داده است و از محل فروش زمین های خود الان قصور عالی بنا می کند و بهترین زندگی را می کند، کسی از او طلبکاری می کند؟ اتفاقا مردم این زندگی صاف و راست را بهتر دوست دارند.

جلد ۴ - ۱۸ مهرماه ۱۳۵۳

والاحضرت اشرف در یک معامله زمین شرکت کرده اند که ناباب و ناپاک از آب در آمده باعث کدورت خاطر شاه شده. فرمودند به خواهرم بگو شما چه لزومی دارد از یک طرف در کارهای کثیف شرکت کنید و از طرف دیگر بنیاد اشرف پهلوی درست کنید؟ آخر این چه حرکتی است که می کنید؟ بر فرض بنیاد اشرف درست کردید، مردم نخواهند پرسید که شما فلان مبلغ را از کجا آورده اید؟ چرا اینقدر مرا ناراحت می کنید؟ من که همه چیزم را وقف کشورم کرده ام. به هر صورت این معامله باید لغو و اقاله شود، هر قدر برای شما ضرر داشته باشد. من که نمی توانم بگویم جلوی کثافتکاری دیگران را می گیرم ولی خواهرم هر ... می تواند بخورد. در دلم به شاه آفرین گفتم، حالا مطلب را من چه جور برسانم، آن دیگر گرفتاری من است!

۱۱ آذر ۵۳

جواب عریضه های والاحضرت اشرف را به حضورشان دیکته فرمودند، خوشبختانه عیبی نداشت یعنی اظهار تغییری نبود. فقط فرمودند این تعهدات بی ربط که برای کمیسیون حقوق زن در سازمان ملل دو میلیون دلار تعهد کرده اید یعنی چه؟ مگر شما مالک الرقاب کشور هستید؟ دیگر از این کارها نکنید، این بک دفعه را ناچار می دهیم.

۱۹ آذر ۵۳

عریضه ای از والاحضرت اشرف رسیده بود، تقدیم کردم. خواندند، پاره کردند. اول عصبانی شدند و بعد خندیدند. فرمودند به خواهرم بنویس شما که تمام اموال خودتان را خیال داشتید وقف کنید، پس چطور حالا این قدر پول دوست شده اید و وساطت این همه

معامله را می‌کنید و می‌گویید که اساس همه کارها پول است و من می‌خواهم پولدار شوم؟ واقعا دلیم به حال شاه سوخت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۹۲۱/شاه-محمدرضا-سر-اشرف-شوم-سایه/>